

شهید وحدت ملی؛ صلح و زندگی مسالمت‌آمیز ملی



بنیاد اندیشه
محمد اسحاق عارفی
تأسیس ۱۳۹۴

مقدمه

صلح و زندگی مسالمت‌آمیز ملی هرچند دو مفهوم نزدیک به هم و تداعی‌نماینده قلمروهای مشترک معنایی است که در بدو نظر تفاوت‌های قابل توجهی از آن ادراک نمی‌شود؛ اما در ژرفنای معنایی این دو مفهوم واژه، تفاوت‌های عمیق و درشتناک را می‌توان دریافت، که تأثیرگذاری جدی بر حیات سیاسی اجتماعی شهروندان از خود بجای می‌گذارد.

هرچند زندگی مسالمت‌آمیز ملی ناگزیر با صلح همراه است؛ ولی حیات در صلح، الزاماً زندگی مسالمت‌آمیز ملی را در پی نخواهد داشت، در عین حال اما با حیات شهروندی

که مبتنی بر آرمان‌ها، مکارم اخلاق و رفتارهای اجتماعی فاضلانه است، نیز فاصله خواهد داشت؛ اما توجه به ناگزیری‌های صلح و ضرورت‌های ایجاد صلح، زندگی مسالمت‌آمیز ملی و صلح، از مفاهیم است که به صورت مشترک با سرنوشت شهروندان افغانستان گره خورده است و در شرایط کنونی برجستگی و اولویت چند وجهی یافته است. به نظر می‌رسد که زندگی مسالمت‌آمیز ملی از اولویت‌های اساسی است که در پرتو آن می‌توان، هم به صلح رسید و هم حیات مسالمت‌آمیز را به صورت پایدار و بنیادی بنیان نهاد تا در پرتو این اصول به حیات شهروندی دست یافت.

همدیگر را تحمل نمایند و راه حل مسئله افغانستان پذیرش یک دیگر است. ما از دیر زمان مواضع خود را اعلام کرده‌ایم که در افغانستان جنگ راه حل قضایا نیست، من به صراحت می‌گویم، که هرکس برای حذف و دشمنی ملیت‌ها حرف بزند، خائین ملی افغانستان است».

سخنان صریح، بی‌پرده و دوراندیشانه شهید وحدت ملی، آستانه‌های روشن حیات ملی را ترسیم می‌کند. اصالت دادن به دوستی‌ها و دوری‌گزینی از نفرت و دشمنی‌ها، اساس روانی و ذهنی حیات ملی را در ذهن و ضمیر شهروندان کشور می‌کارد و بر بنیاد چنین حس استراتژیک و بنیادین؛ غم‌ها و خوشی‌ها، تلخ‌کامی‌ها و شیرین‌کامی‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌های شهروندان کشور، به مثابه پروسه مشترک ملی به جریان افتاده و در غم و رنج برادر شهروند خویش غمگین و رنجور می‌گردیم و از خوشی‌ها، سرزندگی‌ها، موفقیت‌ها و شادابی‌های شان مسرور، سرزنده و شاداب می‌شویم.

تا هم اکنون اما، چنین حس مشترکی در معادلات اجتماعی و حیات جمعی کشور کم‌تر دیده شده است و از شادی‌ها، موفقیت‌ها و شادکامی‌های شهروندان خویش چنین حسی دست نداده است و از غربت و غم‌زدگی انسان افغانستانی، حس غربت و غم‌زدگی به ما دست نمی‌دهد. تا هم اکنون مرزبندی‌های قومی، مذهبی و زبانی، احساسات انسانی ما را نیز مرزبندی کرده‌اند و حتی از غلتیدن هزاران شهروند در خون خویش حس محبت و اصالت دادن به دوستی‌ها تبارز و جوانه نمی‌زند. بر همین اساس تلاش مشترکی جهت تولید و تقویت حس بنیادین «شهروند دوستی» در ذهن و ضمیر ما، نه صورت‌گرفته است و نه در صدد ایجاد آن برآمده‌ایم.

ایجاد وضعیت صلح‌آمیز

صلح اما، هرچند به ایجاد وضعیت ایده‌آل حیات مسالمت‌آمیز ملی ممکن است نینجامد؛ ولی از شرایط و زمینه‌های لازم و ضروری آن به حساب می‌آید. صلح وضعیتی را ایجاد می‌کند که زمینه‌های نفرت، بدبینی و خشونت‌ها را تقلیل داده و زمینه‌های تعامل مشترک و هم‌سو را ایجاد می‌کند. ورود در قلمرو

صلح را بیشتر می‌توان به حالت «نه جنگ» اطلاق کرد که سازوکارهای مشخص و معین را جهت تداوم این وضعیت در نظر گرفت، زندگی مسالمت‌آمیز ملی اما، برخوردار از یک سلسله ارکان و اصول روشنی است که تنها بر بنیاد آن می‌توان فراتر از وضعیت نه جنگ به وضعیت‌های دیگر حیات سیاسی و اجتماعی قدم گذاشت. هرچند حیات شهروندی را نمی‌توان صورت‌بندی کرد و وضعیت اخلاقی جامعه شهروندمدار را به تصویر کشید.

بر همین اساس، صلح و زندگی مسالمت‌آمیز ملی به عنوان ضرورت اکنون ملی از منظر دیدگاه‌های عمیق و ژرف اندیشانه شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری به بحث‌گرفته شده است تا دانسته شود که از نظر این پیر فرزانه، چه اصول، ارکان و استوانه‌هایی جهت تعمیق ریشه‌های زندگی مسالمت‌آمیز ملی ضرورت است تا به محافظت از آن پرداخته شود و کم‌کم به سمت تحکیم و بنیان‌گذاری پایه‌های حیات اجتماعی شهروندمدار حرکت کرد.

اصول و ارکان زندگی مسالمت‌آمیز ملی

شهروند دوستی و شهروندپذیری

یکی از ارکان اصلی زندگی مسالمت‌آمیز ملی اصالت دادن به دوستی‌ها، تحمل و هم‌پذیری‌های ملی و تنگ کردن عرصه‌های خلق دشمنی‌ها، درشتی‌ها و ناهم‌پذیری‌های ملی است. بر اساس این اصل و سایر اصول مورد ضرورت، حیات ملی، عمق و ژرفا یافته، موانع و چالش‌هایی که سرراه حیات ملی سبز کرده‌اند از بین رفته و بر مشکلات و ضعف‌ها فایق خواهیم آمد. شهید وحدت ملی بر بنیان چنین عقبه‌های تئوریک، اصل اصالت دادن به دوستی‌ها و دوری از دشمنی‌ها را جهت برپایی زندگی مسالمت‌آمیز ملی توصیه کرده است. شهید مزاری با صراحت بیان داشته است که: «دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی در افغانستان است، این‌جا باید برادری ملیت‌ها مطرح‌گردد. ما معتقدیم که هر جنگ آخرش صلح است، برادران به جای جنگ صلح را بپذیرند و

تعاملی تنها در سایه وضعیت صلح‌آمیز میسر می‌شود و زمینه‌های حضور نمادهای زندگی مسالمت‌آمیز ملی را مهیا و تمهید می‌کند. وضعیت جنگی، اصولاً گستره‌های تعامل را به انسداد کشانده و دروازه‌های مواجهه تعاملی را به صورت کامل می‌بندد. در چنین وضعیت است که اصل صلح به عنوان یکی از ارکان اصلی حیات مسالمت‌آمیز ملی نقش خویش را به صورت اساسی ایفا می‌کند.

شهید وحدت ملی با تحلیل و ارزیابی‌های دوراندیشانه و عمیق، بر اصل صلح تأکید می‌کرد و وضعیت جنگ‌آلود را برای کشور تأسف‌انگیز و ویران‌گر می‌دانست. از همین روی، شهید مزاری با صراحت اعلام می‌داشت که: «ما جنگ را راه حل مشکل افغانستان نمی‌دانیم و همیشه جنگ را دیگران علیه ما آغاز کرده‌اند و ما از خود دفاع کرده‌ایم». در بحبوحه جنگ‌هایی که با پیروزی‌هایی همراه بود، عدم تأکید بر جنگ به عنوان یک استراتژی، نشان از باور مندی ایشان به صلح و وضعیت صلح‌آمیز در کشور دارد. شهید وحدت ملی تأکید می‌کند: «هر طرحی که به صلح، امنیت و آرامش دایمی مردم ما بینجامد، آن را قبول داریم. یگانه چیزی که مردم افغانستان بعد از چندین سال جنگ به آن نیاز دارد، صلح و آرامش است».

بنابراین، صلح، یکی از اصول و ارکان لازم زندگی مسالمت‌آمیز ملی است که در اندیشه شهید مزاری ۱۳۹۴ برجستگی یافته است و دورنمای حیات ملی را ترسیم صورت‌بندی کرده است.

رعایت عدالت و برابری

رعایت اصل عدالت، برابری و برادری رکن دیگری از زندگی صلح‌آمیز است که حیات مسالمت‌آمیز ملی، بدون آن میسر نبوده است و دچار تزلزل، نابسامانی، تشتت و نفاق ملی خواهد شد. تجربه‌های اخیر افغانستان نشان داده است که بخش بزرگ از فروپاشی‌های نظام اجتماعی به دلیل وجود تبعیض در استفاده از منابع، ثروت‌ها و فرصت‌های ملی به وجود آمده است، مصادیق فراوان وجود دارد که تنها مجموعه بسیار محدودی از اتباع کشور از منابع و فرصت‌های ملی برخوردار بوده‌اند و اکثریت

قریب به اتفاق شهروندان بدون ملاحظه قوم، نژاد، سمت، زبان و مانند آن، محرومیت کشیده‌اند و امروز به صورت جنبش‌های خشن اجتماعی تبارز کرده‌اند. هرچند برخی از کتله‌های اجتماعی از محرومیت‌های مضاعفی برخوردار بوده‌اند و مجموعه محدود حاکم، به دلیل خاموش کردن اعتراض‌ها و فریادهای گسترده ملی به برجسته ساختن تفاوت‌ها و امتیازات کتله‌های اجتماعی و قومی کشور پرداخته و در سایه آن به اعمال تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی پرداخته‌اند.

بنابراین، از شرایط اصلی زندگی صلح‌مدارانه و مسالمت‌آمیز ملی، رعایت اصل عدالت و برابری است که صلح پایدار و حیات دوام‌دار اجتماعی را تأمین می‌کند و شرنج تبعیض و نابرابری را از ساحت‌های مختلف اجتماعی دور می‌سازد. شهید وحدت ملی در این زمینه گفته‌های عمیق را ارائه کرده است که از خصیصه توصیه‌ها و هدایت‌های استراتژیک و راهبردی برخوردارند. ایشان تصریح کرده است: «خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است. در گذشته مردم ما از محرومیت تاریخی رنج می‌برده‌اند و در تمامی زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، عمرانی و اجتماعی بر آن‌ها ستم روا داشته شده است و انواع گوناگون تبعیض و مظالم وجود داشته است که همه آن‌ها نتیجه حکومت قبایلی و سیستم انحصاری قدرت بوده است. تا وقتی که حقوق ملیت‌های کشور تأمین نشود، مشکل افغانستان و اختلافات سیاسی حل نمی‌شود. ما می‌خواهیم ستم‌های چندین قرن بر مردم افغانستان پایان یابد و جامعه‌ای به وجود آید که در آن از تبعیض، برتری طلبی، تفاخر و افزون‌خواهی خبری نباشد. ما حقوق همه ملیت‌ها را می‌خواهیم، حقوق ملیت‌ها به معنای برابری و برادری است. مردم ما، مردم سرافرازی‌اند که می‌خواهند با همه ملیت‌ها با برادری و برابری زندگی کنند».

رعایت مصالح ملی

مصالح ملی یکی دیگر از ارکان حیات مسالمت‌آمیز ملی است که در سایه آن می‌توان به زندگی مشترک ملی جریان

مسالمت‌آمیز ملی دست یافته شود. بنابراین، لازم است که پروسه صلح بر اصول و پایه‌های مبتنا یابد که حیات اجتماعی حداقلی را تضمین کند و زندگی مسالمت‌آمیز ملی را رقم بزند. زندگی مسالمت‌آمیز ملی ممکن است از زندگی ایده‌آل اجتماعی و اخلاق‌مدارانه که امروز از آن به نام زندگی شهروندی با آرمان‌های فاضلانه یاد می‌شود نیز فاصله داشته باشد؛ ولی زندگی مسالمت‌آمیز که حداقل‌های اصول و ارکان یک زندگی مشترک ملی را تأمین کند، ضرورت فراتر از صلح است که در فرایند ایجاد صلح باید در نظر گرفته شود.

شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری طی سخنان عمیق و دوراندیشانه‌شان، اصول و ارکان زندگی مسالمت‌آمیز ملی را شرح و بسط داده است و در جای جای گفتارهای شان مورد تأکید قرار داده است. در زمانه‌ای که گفت‌وگوهای صلح به گفتمان مسلط ملی و بین‌المللی تبدیل شده است، لازم است که مقاومت‌های جدی تری برای احیای ارزش‌های شهروندی و حداقل ارزش‌های زندگی مسالمت‌آمیز ملی صورت بگیرد و تا برپایی آن، از تلاش‌های ممتد منتهی به تأسیس حیات مسالمت‌آمیز ملی حمایت شود.

بخشیده و عمق و معناداری را در آن، به جریان انداخت. منافع مردم، وحدت ملی، رعایت عدالت و فراتر از آن برخوردها و گذشته‌های احسان‌مدارانه و رعایت اصل «احسان» در روابط ملی، از اساسی‌ترین مصادیق مصالح ملی است که لازم است جهت ژرفا بخشیدن به حیات مسالمت‌آمیز ملی، در عمق روابط شهروندمدارانه اتباع کشور نهادینه و تعمیق بخشیده شود.

شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری با فهم دقیق از ضرورت زندگی مسالمت‌آمیز ملی، به صراحت بیان داشته است که: «هر مردم، هر ملت و هر تنظیم سیاسی باید روی مصالح ملی خویش فکر کند، موضع ما بر اساس منافع مردم ما است و هر کسی که بیاید تضاد ملی را به وجود بیاورد، ما آن را خائن ملی می‌دانیم و علیه آن هستیم».

نتیجه و جمع بندی

از مباحث صورت‌گرفته این نتیجه به دست می‌آید که صلح، بیشتر وضعیت نه جنگ را شامل می‌شود که الزاماً به حیات پایدار ملی منتهی نخواهد شد. کشور اما، فراتر از چنین وضعیتی را ضرورت دارد که در پرتو آن به زندگی